

هو الطيف



فقري سخت تر از نادانی و
ثروتي بالاتر از خردمندی و
عبادتي والاتر از تشكر نيست

امام علی ع

اوصیکما بتقوی الله؛ شما را سفارش می کنم به تقوای خداوند.
و ان لاتبغیا دنیا و ان بغتکما؛ و در پی دنیا نباشید و آن را طلب
نمایید؛ هر چند شما را اراده کند و به سراغتان بیاید.
و لاتأسفا علی شیء زوی عنکما؛ و بر چیزی از دنیا که از دست شما رفت،
متأسف نشوید.
وقولا بالحق؛ و به حق سخن بگویید.

اگر از کمند عشقت بروم کجا کریم؟

که خلاص بی تو بندست و حیات بی تو زندان
سعدی شیرازی

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى
الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (سوره اسراء آیه ۱)

پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب،
از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد،
تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛
چرا که او شنوا و بیناست.

گفتم از زشتی رفتار بدم ، گفت : "بیا"
 از سیه کاری رفتار بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم از ثقلت دل ، از هوسم ، از نفسم
 صاحب آن همه گردا بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم از سرکشیم ، سینه سیر ، داد زدم
 نیستم خسته دل از کار بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم از دوست گریزانم و در خود خرقم
 دائما در پی پندار بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم از گوهر ذکر توندا روم بهره
 غوطه ور مانده در افکار بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم ای چشمه ی خوبی ، سحری چشم گشا
 نگر اعمال شرور بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم ای صاحب این سفره که خویان جمعند
 گفته بودی که خریدار بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم آینه شیطان شده بودم عمری
 خسته از دست همین یار بدم ، گفت : "بیا"
 گفتم خدا ، ز دست دل من رنجیده ای
 من همان عبد گنهگار بدم ، گفت : "بیا"

حاجب بروجردی قصیده ای زیبا در مدح امیرالمومنین سرود که شاه بیت آن این بود:

حاجب اگر محاسبه ی حشر با علیست
 من ضامنم که هر چه میخواهی گناه کن
 همان شب در عالم رویا مولا به خواب ایشان آمد و فرمودند:
 میخواهم بیت آخر شعر را اصلاح کنم!
 حاجب عرض کرد مولا شعر برای شماست . مولا فرمود پس اینگونه بنویس:

حاجب یقین محاسبه ی حشر با علیست
 شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن
 ... لَا تُأَسُّوا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ... (23 حدید)
 بر آنچه از دست شما می رود دلتنگ نشوید و به آنچه به شما می رسد دلشاد
 نگردید.....

با یزید بسطامی گفت: زاهد آن نیست که چیزی در اختیار ندارد بلکه زاهد آن است که چیزی او را در اختیار ندارد....

